

خیزش آزادیخواهانه و عدالتجویانه مردم ایران از فرامرز دادور

در این روزها ما شاهد ظهور تحولات سریع سیاسی در سراسر ایران هستیم. بعد از گذشت 40 سال اختناق سیاسی، ناعدالتی و فساد اقتصادی، مردم ایران با شروع اعتراضات گسترده خیابانی و طرح شعارهای رادیکال ضد حکومتی، در راستای انجام یک انقلاب دمکراتیک حرکت نموده اند. موضوع اصلی در مقابل قیام مردم این است که سمت گیری اصلی در خیزش همگانی، چه خواهد بود. شواهد حاکی از این است که نیل به دمکراسی و استقرار حکومت مردمی خواست اصلی مردم در این حرکت انقلابی بوده و بنابراین مهم است که فعالان، جریانات و سازمانهای آزادیخواه دمکرات و چپ در سطح امکان در این کارزار عمومی شرکت داشته در همگامی با رهبران طبیعی محلی به سازماندهی هدفمند سیاسی آن یاری رسانند.

آنچه که در این مقطع اهمیت حیاتی دارد، وجود تحلیل واقعگرانه از مجموعه مطالبات و اهداف مترقی است که نمیتوان لروما آنها را در یک نظرگاه منسجم عقیدتی/ایدئولوژیک خلاصه نمود. اما با توجه به شعارها و خواسته های اعتراضی طرح شده طی سالها و بخصوص در روزهای اخیر، میتوان دید که میانگین مطالبات اجتماعی و جهت اصلی سیاسی در این خیزش مردمی را نفی کلیت حکومت موجود و استقرار نظامی جمهوری و مبتنی بر آزادیهای دمکراتیک و عدالت اقتصادی تشکیل میدهد. بر این اساس بر عهده بخش مردمی از اپوزیسیون است که تلاش گردد انرژی سیاسی نهفته در امواج انقلابی توده ها، در سطح امکان، بطور مسالمت آمیز و در عین حال قاطع، در جهت عبور از کل نظام سازماندهی شده، در فردای پیروزی انقلاب دمکراتیک، روند حرکت سیاسی در جامعه به سوی برگزاری مجلس موسسان و تعیین نظام سیاسی آینده به گونه ای دمکراتیک، باشد.

اینکه در پروسه مبارزات مسالمت آمیز سیاسی، چه نوع افراد و گرایشات سیاسی خواهند توانست که با جلب اعتماد مردم به مسئولیتهای اداری انتخاب شوند، به درجه شناخت، آشنایی و توافق مردم با برنامه ها و راهکارهای اقتصادی/اجتماعی ارائه داده شده از سوی آنها، دارد. برای فعالان و جریانات سوسیالیست رهایی بخش

که خواستار استقرار مناسبات غیر ستمگرانه و عادلانه هستند، باید روشن باشد که تنها با مشارکت آگاهانه توده های مردم، بویژه بخش های عظیم کارگری و زحمتکش (در واقع اکثریت مردم) در امور جامعه است که ایجاد دموکراسی واقعی و سوسیالیست امکان پذیر خواهد بود. بنابراین فعالان و جریانات چپ فعال در میان کنشگران اجتماعی، میبایست از ثابت قدم ترین مدافعان استقرار دموکراسی و آزادیهای مدنی باشند. بدیهی است که نهادینه شدن دموکراسی حیاتی ترین زمینه ساز سیاسی برای مشارکت مردم در انتخاب سرنوشت اجتماعی خود میباشد و امید است که مردم ایران با توجه به تجربیات منفی ناشی از آسیب های اجتماعی متاثر از سلطه نظامهای بسته مذهبی/مسلکی و مناسبات استثمارگری سرمایه داری در سطح جهان، سرنوشت جامعه را سنجیده انتخاب کنند.

فرامرز دادور

31 دسامبر 2017

ایران آبستن انقلابی دیگر؟ از مهرداد درویشپور

یکی از ویژه گی های بیشتر شورش های اجتماعی، خیزش یا انقلاب ها خصلت غافلگیرانه و غیر مترقبه جرقه های انفجاری آن است. هیچ اشاره، تحلیل و هشدار دربارہ خطرات نابسامانی های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زمینه ساز بروز چنین شورش هایی به معنای پیش بینی وقوع رخداد هایی از این دست نیست، بلکه در بهترین حالت به فهم چرایی آن یاری می رساند. با این همه کمتر کشوری همچون ایران این گونه سرزمین شگفتی هاست که پی در پی همگان را غافلگیر می کند. آخرین نمونه آن تظاهرات چند روزه اخیر است که از شدت شگفتی آفرینی آن گویی جنبه سورئال به خود گرفته است.

تظاهرات ضد حکومتی چند روز اخیر در بیش از بیست شهر ایران در اعتراض به گرانی، فساد، اختلاس، بیکاری و فقر اقتصادی به سرعت با

شعارهایی سیاسی نظیر "مرگ بر خامنه ای"، "جمهوری اسلامی نمی خواهیم"، "استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی" همراه شد و حکومت و اپوزیسیون را همزمان غافلگیر کرد. طننز تلخ تاریخ در آن است که درست در ۹ دی که گویی سالروز سیطره حکومت علیه "فتنه" ۸۸ بود، به زادروز مهمترین چالش سیاسی مردم علیه حکومت اسلامی در طول حیات آن بدل شد.

ویژگی این اعتراضات را در می توان در نکات زیر خلاصه کرد:

۱. خصلت خود انگیخته این شورش ها در اغلب شهرها که فاقد رهبری یا سازماندهی از بالا و برنامه ریزی شده است. گیرم که ممکن است نخستین تجمع در مشهد به قصد تخریب روحانی توسط محافل اصول گرا سازماندهی شده باشد، اما در این صورت نیز همه شواهد نشان از آن دارد که کنترل آن به سرعت از دست سازماندگان اولیه دررفته و به حرکتی علیه کل نظام بدل شده است. ۲. سرعت برق آسای سرایت اعتراضات به شهرهای دیگر که در تاریخ ایران کم نظیر است. تنها در عرض دو روز این تظاهرات به ۲۰ شهر ایران سرایت کرد. ۳. برآمد صدای سوم و سلطه شعارهای ساختار شکنانه علیه کل حکومت و نظام هم در حوزه سیاست های داخلی و هم منطقه ای. شعارهایی همچون "جمهوری اسلامی نمی خواهیم"، "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا"، "سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن" نمونه هایی از این شعارها است. گویی خشم فرو خفته مردم طی نزدیک به چهل سال حکومت اسلامی با بسته شدن تمام درهای تحول از درون حاکمیت در پی سرکوب جنبش سبز و به دنبال آن سرخوردگی کامل از دولت روحانی، هیچ راهبرد میانی برای طرح شعارهای اصلاح طلبانه یا اعتدال گرایانه باقی نگذاشت و ترکیدن این بغض به یکباره کل استبداد دینی در ایران را نشان گرفت. ۴. این اعتراضات کوچکترین رنگ و مطالبه دینی نداشته و با شعار "مردم را ذله کردید، اسلام را پله کردید"، وداع خود با هر نوع درآمیختن دین و دولت و استفاده از دین در سیاست را فریاد زد. نام نبردن از حتی چهره های در حصری همچون موسوی و کروبی در این تظاهرات، گویی نشانگر آن است که تظاهر کنندگان از هر آنچه که رنگ تعلق به حکومت اسلامی دهد، فاصله گرفته و مایلند با سیمایی یکسره سکولار قد علم کنند. ۵. حضور پر رنگ طبقات محروم و خواست های اقتصادی در این اعتراضات از یک منظر آن را به جنبش "نان" نیز بدل ساخته است. پوررنگی مطالبات اقتصادی درآغاز و اعتراض به بیکاری، فقر و حق طلبی اقتصادی و اشاره به دزدی ها و فسادهای دولتی خصلت عدالت خواهی این اعتراضات را برجسته ساخته است. امری که نقش

مهمی در فراگیری برق آسای این جنبش ایفا کرده است. ۶. این اعتراضات که برخلاف تحولات سراسری نیم قرن اخیر در ایران نخست از پیرامون آغاز شد و سپس به مرکز (تهران) رسید، نشانگر شکاف فزاینده ای میان مرکز و پیرامون است که نیازمند پرشدن آن برای گسترش همبستگی اجتماعی است. این شکاف در جنبش سبز به گونه ای بود که پیرامون هرگز به مرکز نپیوست. هرچند در اعتراضات این دوره با اندکی تاخیر مرکز نیز به پیرامون پیوست که در گسترش ابعاد سیاسی این جنبش و آینده آن نقش بسزایی داشته و دارد. ۷. با این همه عدم مشارکت مردم در این اعتراضات در مناطقی که اکثریت آنان را گروه های اتنیکی تحت ستم تشکیل می دهند (همچون عمده شهرهای کردستان، آذربایجان، بلوچستان و برخی از شهرهای خوزستان) نشانگر عمق شکاف اتنیکی است که ایران با آن روبرو است. بی شک تداوم این اعتراضات و گسترش همبستگی اجتماعی می تواند به برانگیختن مردم در این مناطق نیز منجر شود. فعالان جنبش های اتنیکی می بایست با تشویق مردم به پیوستن به جنبش همگانی، کم هزینه ترین راه تامین حقوق اتنیکی (در کنار خواست های عمومی و مشترک را) را با مشارکت در جنبش عمومی برای عبور از جمهوری اسلامی، گسترش رفاه اجتماعی، تامین دموکراسی و جدایی دین و دولت در چهارچوب ایرانی واحد فراهم سازند. ۸. گرچه هر دو جناح در رویارویی با این اعتراضات غافلگیر شده اند، اما تلاش هریک برای استفاده از آ برای تخریب دیگری یا نسبت دادن آن به جناح رقیب، تنها نشانگر نگرانی و وحشت هر دو جناح از اتفاقات اخیر نیست، بلکه بیش از همه نشانه شکاف گسترده ای در حکومت است که قادر به واکنشی یکپارچه در سرکوب این اعتراضات نیستند. شاید راز این را که نیروهای سرکوبگر هنوز نتوانسته اند به گونه ای موثر به رویارویی با این اعتراضات پردازند، در همین شکاف فزاینده داخلی و فشارها و حساسیت های بین المللی باید جستجو کرد. ۹ حساسیت منطقه ای و بین المللی عامل مهمی است که می تواند به عامل بازدارنده ای در سرکوب خشن این اعتراضات بدل گردد. با این همه، هر نوع گذار از همدردی و حمایت از این مبارزات به مداخله گری آشکار می تواند بهترین بهانه را برای سرکوب خشن این اعتراضات فراهم آورد. ۱۰. این جنبش به رغم خصلت مسالمت آمیز خود ممکن است به سرعت به خشونت بگراید و نشانه هایی از بروز آن به چشم می خورد. چنین فرایندی نه چندان مطلوبی که نسبت به عواقب احتمالی آن باید هشدار داد، در صورت گسترش نشانه انفجار خشمی است که محصول تحمیل چهار دهه قهر حکومتی برای به خاموشی کشاندن مردم تشنه آزادی، عدالت و سکولاریسم است. ۱۱. در این اعتراضات علاوه بر شعارهای سلبی ساختارشکنانه که علیه کل نظام

و به ویژه ولی فقیه متمرکز شده است، برای نخستین بار گرایش جمهوری خواه (با شعار استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی و شعار نان، کار، آزادی) و سلطنت طلب (با شعار ایران که شاه نداره، حساب کتاب نداره، رضا شاه، روح شاد و...) به طرح شعارهای اثباتی خود برای ایران پس از جمهوری اسلامی پرداختند. با این همه هنوز جنبه سلبی این اعتراضات بر جنبه ایجابی آن مسلط است و نداشتن برنامه، رهبری و سازماندهی می تواند به پاشنه آشیل آن بدل گردد. تلاش برای دستیابی به رهیافت سیاسی عملی و همگانی از جمله ضرورت طرح گشایش سیاسی از اولویت های این اعتراضات برای تبدیل آن به یک جنبش تمام عیار سیاسی برای افزایش شانس پیروزی آن است.

۱۲. هنوز روشن نیست که این اعتراضات و انفجار خشم همگانی به کدام سو سوق خواهند یافت. آیا جمهوری اسلامی ایران قادر به سرکوب قطعی آن خواهند شد یا آن که سرعت گسترش این اعتراضات و تدوام آن ایران را در آستانه قیام علیه جباریت قرار خواهد داد. این اعتراضات نیازمند حمایت هرچه گسترده تر ایرانیان داخل و خارج از کشور و افکار عمومی بین المللی است. فرجام اعتراضات چند روز اخیر هرچه باشد، ایران را در مسیری برگشت ناپذیر قرار داده است که وجه مشخصه آن، شاید آبدستن انقلابی دیگر بودن یا زمینه سازی تاریخی برای عبور از جمهوری اسلامی در قلب و مغز میلیون ها ایرانی تشنه دموکراسی، سکولاریسم و عدالت است!

مهرداد درویش پور

بیانیه مشترک شش سازمان در پشتیبانی از خیزش مردم ایران علیه نظام جمهوری اسلامی

از اعتراضات مردم به گرانی، بیکاری، اختناق و
فساد در حکومت

و علیه جمهوری اسلامی پشتیبانی کنیم!

یک هفته است که شهرهای مختلف ایران، شاهد تجمع اعتراضی مردم است. تظاهراتی که در هشت دی‌ماه در شهر مشهد با شعارهایی علیه گرانی، بیکاری، محرومیت، آغاز شد، به سرعت و در فاصله چند روز، به بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک سراسر کشور گسترش یافت و به تدریج رادیکال‌تر شده و با شعارهایی همچون «آقا خدایی می‌کنه، ملت گدایی می‌کنه»، «اسلام رو پله کردید، مردم رو ذله کردید»، «اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمامه ماجرا»، «مرگ بر روحانی»، «مرگ بر دیکتاتور»، «جمهوری اسلامی، نمی‌خواهیم! نمی‌خواهیم!» مستقیماً، ولی فقیه، رئیس‌جمهور، مسئولین حکومتی و سرانجام خود نظام را نشانه رفته است.

اعتراضات مردم بی‌انگرم بحران اقتصادی عمیق، فساد لجام‌گسیخته در دستگاه حکومت، بی‌کفایتی، دزدی دولتیان و سرکوب و دیکتاتوری است. این تظاهرات ریشه در سی و هشت سال حکومت نالایق و فاسد جمهوری اسلامی دارد. در این سی و هشت سال دولت‌های بسیاری با عناوینی همچون، «خدمتگزار»، «سازندگی»، «اصلاح طلبی»، «امام زمانی» آمدند و رفتند و جز چپاول ثروت‌های ملی، خالی کردن جیب مردم و گسترش بیکاری، فقر و بدبختی و تداوم سرکوب چیزی برای مردم باقی نگذاشتند. در پی آنها دولت «تدبیر و امید» آمده است تا آنچه را که باقی مانده، بروبد و جارو کند. بی‌دلیل نیست که اکنون اعتراضات کارگران به وضعیت معیشت خود و خانواده‌شان مال‌باختگان به موسسات مالی، بازنشستگان، جنبش دانشجویی و دیگر قشرهای جامعه گسترش یافته و طی ماه‌های اخیر روزی نبوده است که در رسانه‌ها اخباری از تجمعات و اعتراضات مردم دیده نشود.

در حالی که تظاهرات و اعتراضات مردم در شهرهای ایران ادامه داشته و گسترش بیشتری هم یافته است، رژیم جمهوری اسلامی از یک سو تلاش می‌کند تا با وعده رسیدگی به مشکلات اقتصادی، مردم را به خانه‌ها برگرداند و از سوی دیگر می‌خواهد با بستن سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های ارتباطی مجازی و محدود کردن وسائل ارتباط جمعی، ارتباط مردم در سطح شهر و شهرهای مختلف را قطع کند. بر اساس اخبار رسمی خود مقامات انتظامی، تا کنون نزدیک به پانصد تن در تهران، اراک و دیگر شهرها دستگیر شده و بیش از بیست تن به قتل رسیده‌اند.

حسن روحانی که با عوام فریبی اعلام کرده بود، انتقاد و اعتراض در همه امور حق مردم است، پس از گذشت چهار روز از ادامه اعتراضات

مردم، نه تنها دستور مسدود کردن کانال های اینترنتی مجازی چون «تلگرام» و «اینستاگرام» را داد، بلکه تهدید هم کرد که با معترضین شدیداً برخورد خواهد کرد. در کنار وی اصلاح طلبان نیز پس از چند روز سکوت، ضمن کلی گوئی درباره مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و با گفتن این که مردم حق دارند اعتراض کنند، اعتراضات مردم در خیابان ها را به تحریک قدرتهای خارجی نسبت داده و خواهان سرکوب تظاهر کنندگان شدند.

ابعاد بحران اقتصادی-اجتماعی و سیاسی در حدی است که حکومتیان بیش از این نمیتوانند آن را انکار کنند، ولی با بیان این که «باید به محتوای این اعتراضات مردم توجه شود»، تلاش میکنند که تجمع و حرکت های اعتراضی را به هدایت از خارج و دخالت سرویسهای جاسوسی امریکا و اسرائیل و غیره نسبت داده و ضمن ارباب مردم، زمینه پرونده سازی برای دستگیرشدگان و سرکوبگری های بیشتر را آماده کنند.

حکومت در روزهای اول با این امید که این تظاهرات خود جوش سریعا خاموش خواهد شد، برخورد ملایمی داشت، ولی با تداوم تظاهرات و گسترش آن به بسیاری از شهرها، به وحشت افتاده و ماشین سرکوب خود را راهی خیابان ها کرده تا آتش خشم مردم را مهار و آن ها را از خیابان به خانه بفرستد.

اعتراضات مردم خودجوش و از بستر نارضایتی عمیقی سرچشمه میگیرد که زمینه های آن در طول بیش از سه دهه حکومت اسلامی بتدریج، لایه به لایه، افزوده شده و تلنبار گشته است. انبوه خشم و نفرت مردم تنها نیاز به یک جرقه داشت تا در خیابان ها سرازیر شود و شعله کشد. جنبشی که از یک هفته پیش آغاز شده است متوقف نخواهد شد، حتی اگر رژیم بتواند در این مقطع با توسل به سرنیزه، سرکوب و زندان آن را خاموش نماید، بازهم بزودی سر بر خواهد آورد.

روند گسترش تدریجی تظاهرات و ترکیب شعارهای مردم به روشنی نشان از حداقل هماهنگی و سازماندهی مردم در شهرهای مختلف دارد و بویژه فقدان یک آلترناتیو مورد اعتماد مردم در این میان بارز است. پراکندگی شعارها، ضمن نشان از تنوع ترکیب شرکت کنندگان، عملا مطالبات اصلی و نیازهای واقعی مردم در مقطع کنونی را در میان انبوه شعارهای مختلف پنهان میکند که مناسب سطح تظاهرات مردم نیست.

در تلاش برای تداوم و تعمیق مبارزات حقوق طلبانه توده ها در جهت

ایجاد رابطه و پیوند بیشتر میان جنبش های اجتماعی، و برحسب موقعیت و شرائط حاکم، ضروری است که شعارها و خواسته های پراکنده حول چند شعار مشترک و اصلی چون ، استقلال، آزادی، نان، کار، دموکراسی، جدایی دولت و دین و عدالت اجتماعی و در اعتراض به فساد، تبهکاری، دزدی و نهایتا تغییر رژیم متمرکز شود. بر این مبنا و در همان چارچوب میتوان مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشخصی را طرح و برای تحقق آن ها و عقب راندن رژیم، مبارزات را ادامه و گسترش داد.

این وظیفه همه سازمان ها و نیروهای سیاسی ملی، چپ، دموکرات و آزادیخواه است که در این شرائط حساس و بحرانی جامعه ایران، فعالیتهای خود را در حمایت و پشتیبانی از مبارزات مردم و رساندن صدای آن ها به گوش جهانیان، هماهنگ کرده و تلاشهای خود در جهت پیریزی یک ائتلاف دموکراتیک، لائیک و آزادیخواه را افزون تر کنند.

خیزش مردمی علیه جمهوری اسلامی نشانهی آن است که بیش از پیش بخشهای هر چه گسترده تری از مردمان ایران، از جوانان، زنان، زحمتکشان، ملیتها و دیگر اقشار تحت ستم رژیم سرمایه داری دینی، در شهرهای کوچک و بزرگ و در شهرستانهای مختلف کشور خواهان برجیده شدن نظام جمهوری اسلامی در تمامیت اش میشوند. آن ها به کوچه و خیابان میریزند و هراسی به دل راه نمیدهند. آن ها توهمی نسبت به بهبود شرایط در چارچوب نظام اسلامی و یا تحول آن از طریق اصلاحات ندارند. بدین سان، سرنگونی نظام جمهوری اسلامی به دستان توانای خود مردم تحت ستم، از طریق جنبشهای آگاه و سازمان یافته شان، دیگر نه تنها آرزویی دور نیست، بلکه به امر ممکن و کنون تبدیل میشود.

حزب دمکرات کردستان ایران

حزب کومه له کردستان ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران

شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

کومه له زحمتکشان کردستان

بیانیہ جنبش جمهوریخواهان
دموکرات و لائیک ایران در
پشتیبانی از خیزش مردم ایران
علیه جمهوری اسلامی

این پیرآزار گند جهان نیست

تَعَفُّفٌ

بَيِّدٌ

در چند روز اخیر شاهد اعتراضات مردم در بسیاری از شهرهای ایران هستیم.

سیاستهای جمهوری اسلامی سالهاست که به نفع باندهای قدرت تنظیم می شود. حیف و میل درآمدهای نفتی و دیگر ذخایر زیرزمینی و بطور کلی منافع ملی، تقسیم ناعادلانه ثروت همراه با رانت خواری ها و باندبازی ها باعث فاصله های طبقاتی و قطبی شدن جامعه، جمع شدن فقر در یک سو و ثروت در سوی دیگر شده است. بخشی دیگر نیز برای گسترش هژمونی اسلامی در کشورهای دیگر به مصرف میرسد که در اثر آن حقوق ملت ستمدیده ایران پامال میگردد.

چهل سال است مردم در ایران انواع و اقسام فشارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را تحمل کرده اند. کوچکترین اعتراضی سرکوب شده و زندان و شکنجه به همراه داشته است. اعدام های سراسری زندانیان سیاسی در سال های ۶۰ و ۶۷، ترور روشنفکران، نویسندگان و دانشمندان، سرکوب مبارزات مردم در سال ۸۸، سرکوب هرگونه مخالفتی در چند سال اخیر، تنگ کردن فضای سیاسی جامعه، خفه کردن هرگونه صدای آزادیخواهی و جلوگیری از هرگونه اعتراضی، مردم را به فریاد درآورده است. مسلم است که مبارزات مسالمت آمیز مردم و خواست های اقتصادی و سیاسی آنان نشان از تحولی عمیق و ریشه ای دارد و در چارچوب نظام جمهوری اسلامی محقق نخواهد شد.

مردم ایران نیک میدانند برای تحقق خواسته های خود باید از این نظام عبور کرد و شرایط دموکراتیکی را در جامعه برقرار کنند. مردم ایران امروز در خیابان های آن سرزمین فریادی بلند را سرداده اند و تلاش میکنند تا به سردمداران نظام جمهوری اسلامی و همه جهانیان بگویند که این نظام باید برود و تحمل زندگی در این حکومت دینی و ضد انسانی را ندارند.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران همواره بر شعار جمهوری، دموکراسی و لائیسیته تاکید کرده است و مسئله جدائی دین و دولت و همچنین تلاش برای استقرار جمهوری، یعنی حضور مردم در امور سیاسی و تحقق آزادی های انسانی همواره شعار و تلاش عملی آن ها بوده است.

ما اعتراضات مردم ایران را به حق میدانیم

ما سرکوب این اعتراضات را محکوم میکنیم

ما خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی بدست مردم و بدون دخالت های بیگانه هستیم

ما افکار عمومی جهان مترقی را به پشتیبانی از خیزش مردم ایران دعوت میکنیم

شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

پنجشنبه 14 دی 1396

**اطلاعیه سازمان فرانسوی NPA در
همبستگی با خیزش مردم ایران
(به زبان فرانسه)**

Solidarité avec la révolte populaire en Iran

En Iran, depuis le jeudi 28 décembre, de jour comme de nuit, des travailleurEs, des chômeurEs, dont nombre de jeunes et de femmes, descendent dans la rue. Ce mouvement touche les petites comme les grandes villes, dont la capitale Téhéran

Les manifestantEs protestent contre les difficultés économiques dont le chômage et la vie chère, mais aussi contre la corruption et l'absence de liberté. Une contestation inédite depuis des années, qui remet en cause le pouvoir en place

Il s'agit en effet des plus importantes manifestations depuis le mouvement de contestation contre la réélection frauduleuse de l'ex-président ultraconservateur Mahmoud Ahmadinejad en 2009. Ces mobilisations avaient été violemment réprimées

Cette fois-ci, les racines de la colère sont avant tout économiques et sociales. Depuis 2013, sous la présidence de Rohani, qualifié de « modéré » par les médias, la contestation des couches populaires n'a cessé de s'étendre et de s'approfondir. La lutte sans relâche des travailleurEs et travailleuses a subi une répression acharnée : l'emprisonnement du syndicaliste Reza Shahabi en est un symbole mondialement connu

L'abandon total des victimes des tremblements de terre récents ainsi que la corruption astronomique montrent le vrai visage du régime capitaliste et théocratique qui règne en Iran, et dont la fraction qui tient le pouvoir est un pivot essentiel

Par sa mobilisation, le peuple iranien met en échec la stratégie de « terreur » qui est la seule « réponse » dont est capable le régime dictatorial de la République Islamique d'Iran. □

Face aux justes aspirations économiques et démocratiques exprimées, le pouvoir montre les dents. Il menace d'écraser la résistance populaire dans un bain de sang, comme l'ont « montré » les 23 morts et les centaines d'arrestations lors de la

répression des manifestations.□

Le peuple iranien a besoin de notre solidarité. Le NPA apporte son soutien à toutes celles et ceux qui se battent en Iran pour la liberté, l'égalité et la justice sociale. Il exige la libération des centaines d'opposantEs détenuEs dans les geôles du gouvernement iranien.□ La place centrale des revendications sociales, économiques et démocratiques dans la vague de contestation actuelle ne laisse pas le moindre doute sur la nature progressiste de ce mouvement. Il est du devoir de la gauche radicale et internationaliste d'apporter un soutien inconditionnel à ces mobilisations

Nouveau Parti Anticapitaliste

خیزش مردم در ایران

تصاویر ویدئویی از خیزش مردم در شهرهای مختلف
ایران